

راه کارهای بهینه سازی معماری فضای داخلی با بهره‌گیری از شاخصه‌های سبک مینیمال

هانیه عزیزی: دانشجوی مهندسی معماری داخلی، گروه معماری و شهرسازی، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی کرمانشاه، ایران

hanieazizi213@gmail.com

فاطمه نوری^۱: دکتری مهندسی معماری، گروه معماری و شهرسازی، موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی کرمانشاه، ایران

F.Nouri90@gmail.com

چکیده

مشکل کوچک بودن خانه‌ها امروزه به معضلی تبدیل گشته است که در کنار عواملی مانند تغییر سبک زندگی و نگرش و فرهنگ عامه مردم باعث شده است تا لزوم اتخاذ رویکردی جدید در چیدمان خانه‌های مسکونی ضروری باشد. یکی از راه‌حل‌هایی که برای این مسئله اندیشیده شده است، ایجاد خلوص و خلوت بیشتر فضایی از طریق خلاصه‌سازی مبلمان و اجزای داخلی خانه‌هاست. یکی از راه‌کارهایی که می‌تواند معماران و طراحان داخلی را در این امر یاری رساند استفاده از مبلمان و وسایلی در خانه است که چند کاربردی بوده و با صرف کمترین فضا بیشترین نیازهای فضایی استفاده‌کننده را برآورده می‌کند. امروزه با پیشرفت علم و تکنولوژی خصوصاً در کشورهای صنعتی، طراحی و ساخت وسایل چند کاربردی به شاخه‌ای جدید در ساخت مبلمان تبدیل شده و استفاده از این وسایل در خانه‌های مدرن چه به دلیل زیبایی و تزئین و چه به سبب کاربردی بودن روزه‌روز بیشتر متداول می‌شود. ما با مطالعه و بررسی سبک معماری مینیمالیسم درصدد آن هستیم که تأثیرات آن را بر زندگی روزمره افراد بیابیم و مشکلاتی همچون کوچک بودن خانه‌ها که معضلی بزرگ برای جامعه است را با استفاده از سبک معماری مینیمال حل کنیم.

کلیدواژه‌ها: معماری مینیمال، فضا، وسایل چندکاربردی، چیدمان



مقدمه

ساده گرایی یا مینیمالیسم یک مکتب هنری است که اساس آثار بیان خود را بر پایه سادگی بیان و روش‌های ساده و خالی از پیچیدگی معمول فلسفی یا شبه‌فلسفی بنیان گذاشته است. سادگی موضوعات و بیان آن‌ها به فرم خاص مثل اشکال هندسی مشخصه این سبک است. مینیمالیسم راعوما جنبشی در مخالف با اکسپرسیونیسم انتزاعی می‌دانند. جنبشی که بر هنر دهه ۵۰ حکم‌فرما بود (وود، ۱۳۸۴: ۹۰). مینیمالیست‌ها در فشرده‌گی و ایجاز تا آنجا پیش می‌روند که فقط عناصر ضروری اثر، آن هم در کمترین و کوتاه‌ترین شکل، باقی بماند. به همین دلیل کم‌حجمی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این آثار است (پاکباز، ۱۳۸۵: ۵۶۵). مینیمالیسم جنبشی است که بامبنای فکری و فلسفی آغاز شد و متاثر از فلسفه‌ی پدیدارشناسی به رابطه‌ی میان انسان، فضا حجم توجه بسیار نشان داد (کهن، ۱۳۸۱: ۲۲۸). مینیمالیسم که از درون نقاشی انتزاعی سر برآورد، در همان زمان مخالفان بسیاری داشت. ایشان هنر مینیمال را به دلیل تأکید آن بر نقش مخاطب، شیء هنری و فضا، نمایشی و تناثر گونه خواندند و آن را نفی هنر دانستند. آن‌ها با استفاده‌ی هنرمندان مینیمالیست از تولیدات صنعتی در خلق اثر هنری مخالف بودند؛ اما برخی دیگر که موافقان این هنر بشمار می‌آیند، هنر دهه شصت را آغاز تغییراتی می‌دانند که به هنر مفهومی، چیدمان، هنر محیطی و چندرسانه‌ای منجر می‌شود (لینتن، ۱۳۸۲: ۷).

با بررسی تأثیر مینیمالیسم در تحول معماری قرن بیستم بابیان این مسئله که پس از جنگ جهانی دوم، جهان در رویایی با تغییرات گسترده‌ای در زمینه‌های فلسفی، هنری، سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و تمامی اصول مدرنیسم را به چالش کشیده است. مینیمالیسم را از مهم‌ترین دستاوردهای هنر مدرن بشمار آورند و بیان می‌کنند که این جنبش با تأکید بر نقش عملکردی فضاها و نیاز به ساخت ساختمان‌های کوچک‌تر و سریع نگاه تازه‌ای را در معماری مطرح می‌کند. ایشان آثار هنری مینیمالیسم را فاقد نمادگرایی دانسته و تادائوآندو از تأثیرگذارترین معماران مینیمالیست معرفی می‌نمایند که فضاهای منحصر به فردی را خلق نموده است. این پژوهشگران در این نوشتار، مینیمالیسم را نقطه عطفی در روند هنری قرن بیستم معرفی نموده و با نگاهی به مباحث نظری پیرامون آن به تحلیل مفاهیم و مبانی این جنبش در آثار معماری پرداخته‌اند (احمدی نسب، ۱۳۹۱). پیدایش و رشد مینیمال به سال‌های ۱۹۶۰ برمی‌گردد، آثار هنری این جریان غالباً سه‌بعدی و از اشکال هندسی ساده تشکیل شده است و به صورت تکراری کار می‌شوند. این مکتب هنری معتقد به ساده بودن آثار هنری بود اهمیتی که این مکتب در دنیا کسب کرده است به این دلیل بوده که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ نقاشی عموماً منسوخ و مجسمه‌سازی غالب شده بود. یک طرح مینیمال در واقع طرحی است که در آن فقط عناصر اصلی حفظ و استفاده می‌شوند و لوازم غیر ضروری که فضا را بی‌جهت اشغال می‌کنند حذف می‌شوند.

بیان مسئله

یکی از چالش‌هایی که امروزه مردم در شهرهای پرجمعیت با آن روبرو هستند، مشکل فضای کوچک خانه‌هاست. با توجه به اینکه بر جمعیت شهری روز به روز افزوده می‌شود و این امر موجب کوچک‌تر شدن فضای شهری و به سبب آن کوچک‌تر شدن فضای خانه‌هاست و همچنین به دلیل بالا بودن هزینه‌های زندگی و مسکن در شهرها تقاضا برای خانه‌های کوچک‌تر افزوده می‌شود. لذا نیاز به بازنگری برای تجهیز و چیدمان این خانه‌ها و طراحی کاربردی فضای محدود آن‌ها، امری ضروری به نظر می‌رسد. برای این منظور یک‌راه حل وجود دارد و آن هرچه خلاصه‌تر کردن محیط پیرامون است و این چیزی است که در تفکر مینیمالیسم بسیار به آن پرداخته شده است. برای این خلاصه کردن یکی از روش‌های معقول استفاده از اجزا و وسایلی در خانه است که چند کاربردها باشد و با صرف کمترین فضا بیشترین نیاز برای ما برآورده کند. امروزه به سبب پیشرفت علم و تکنولوژی به‌خصوص در کشورهای صنعتی، طراحی و ساخت این وسایل چند کاربردی خود به یک شاخه‌ی عظیم و جدید در ساخت وسایل خانه، تبدیل شده است و استفاده از این وسایل در خانه‌های مدرن چه به سبب زیبایی و تزئین وجه به سبب کاربردی روز به روز بیشتر متداول می‌شود. فضا و مبلمان داخلی خانه به‌طور هوشمندانه‌ای بهینه‌سازی شده است و می‌توان تشابهی بین اصول کلی به‌کارگیری آن‌ها و اصول مینیمالیسم تشخیص داد؛ بنابراین در این مقاله درصددیم که تأثیر به‌کارگیری مینیمالیسم در معماری را بدانیم. یک طرح مینیمال در واقع طرحی است که در آن فقط عناصر اصلی حفظ و استفاده می‌شوند و لوازم غیر ضروری که فضا را بی‌جهت اشغال می‌کنند حذف می‌شوند. مینیمالیسم در فلسفه معتقد است که محدود نیازهای انسانی برای زندگی کافی است، افرادی که پیرو این‌گونه تفکری هستند، در سادگی زندگی می‌کنند و ساده‌تر از دیگران می‌توانند خود را خوشبخت احساس کنند.

روش تحقیق

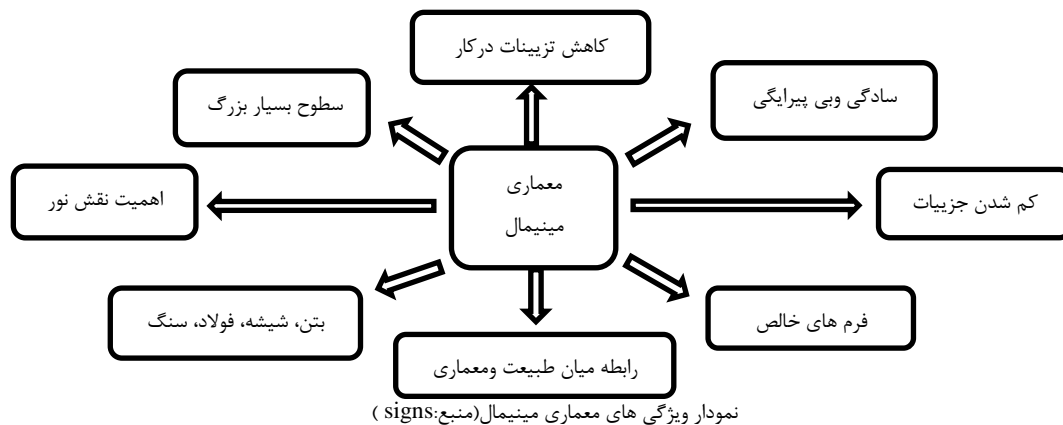
روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله به‌صورت توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با استفاده از شیوه‌ی کتابخانه‌ای انجام گرفته است و برای شناخت تأثیر مینیمالیسم در معماری از منابع کتابخانه‌ای بهره گرفته شده است. به‌طوری‌که با استفاده از منابع موجود، به بررسی تأثیر مینیمالیسم در معماری می‌پردازیم.

اهمیت و ضرورت

موضوع طراحی داخلی و چیدمان یک خانه به نوعی موضوعی میان رشته‌ای محسوب می‌شود هرچند که در سال‌های اخیر در ایران رشته‌ای مجزا در این زمینه به وجود آمده است ولی در هر صورت برای بررسی فضای داخل خانه باید دیدی چند جانبه به موضوع داشت. از طرفی معماری فضای کلی خانه را شکل می‌دهد اما آنچه که خانه‌ها را پر می‌کند و به آن مفهوم می‌بخشد و آن را محلی قابل سکونت می‌کند چیزهایی است که بنا بر سلیقه افراد در داخل فضا قرار می‌گیرند. چیزهایی که در داخل یک خانه قرار می‌گیرد هم می‌بایست از لحاظ کاربردی مورد استفاده باشد و هم به لحاظ بصری بیشترین ارزش را دارا باشد و البته چگونگی قرار گرفتن آن‌ها در کنار یکدیگر نیز می‌تواند مطلب مهمی باشد. برای مفهوم مینیمالیسم در هنرهایی مثل مجسمه‌سازی، نقاشی و... در معماری و حتی در ادبیات و موسیقی مثال‌های بسیاری آورده شده است. استفاده از این رویکرد در خانه می‌تواند کمکی به استفاده بهینه از فضا و کم کردن فضای مورد نیاز افراد باشد و پراکندگی و آشوب بصری در چیدمان فضاهای کوچک جلوگیری کند. از این رو برای بدست آوردن الگوهای صحیحی برای چیدمان خانه‌ها برای بالا بردن کارایی و زیبایی، نیاز به بررسی دقیق‌تر است (پریا چوبک، ۱۳۹۲: ۵).

واژه مینیمالیسم در هنر عمدتاً برای توصیف سبکی به کار می‌رود که ویژگی آن بی‌پیرایگی فوق‌العاده، شکل بندی هندسی ساده، و بهره‌گیری از مواد و مصالح صنعتی است (امیربانی مسعود، ۱۳۸۹: ۳۰۷). معمار در سبک مینیمالیسم سعی می‌کند تا با کنار گذاشتن زواید و موضوعات غیر ساده که ذهن مخاطب را مشغول می‌کند و فقط به کار بردن عناصر لازم اثر خود را ارائه دهد. هدف هنرمند در این سبک استمرار اثر در بعد زمانی می‌باشد یعنی مد اثر را از بین می‌برد و باید زیبا

باشد هر اثر باید ۱۵ سال دیگر هیچ کس لزوم تغییر را در آن نبیند. به دلیل کم بودن عناصر و عوامل تعریف کننده محصول نهایی شباهت زیادی با ایده اولیه دارد به دلیل سادگی و خلوص مخاطب این امکان را دارد تا اثر را مطابق علایق خود تفسیر کند.



فرضیه و سوالات تحقیق

راه کارهای بهینه سازی معماری فضای داخلی با بهره گیری از شاخصه های سبک مینیمال کدام اند؟
با توجه به این که کم شدن جزئیات، سطوح بسیار بزرگ، سادگی و بی پیرایگی و... از ویژگی های سبک مینیمال است چه راه کارهایی برای اثبات آن ها توصیه می شود.

پیشینه تحقیق

۱. مکوندی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان مینیمالیسم در معماری اسلامی- ایرانی با تأکید بر اصول و شاخصه ها به بررسی این موضوع پرداخته اند. این مقاله با بهره گیری از روش تحلیل-توصیفی و بر اساس مطالعات اسنادی انجام شده می کوشد تا با توجه به ویژگی و اصول مکتب مینیمالیسم شاخصه ها و اصول معماری اسلامی و معماری ایرانی را مورد بررسی قرار داده و در نهایت ویژگی های معماری اسلامی- ایرانی را بر مبنای اصول مکتب مینیمالیسم شناسایی نماید. معماری اسلامی دارای شاخصه های متفاوتی می شود که آن را از سبک و سیاق های دیگر بناها جدا می سازد. این مولفه ها شامل هندسه علمی و هنرهای ابداعی برگرفته از اندیشه های معنوی شخص می شود. نکته مهم و قابل توجه این است که وحدت و تنوع در معماری اسلامی شاید از برجسته ترین ویژگی های آن باشد. این وحدت عامل اساسی توسعه و تکوین هویت معماری اسلامی و تاسیسات دینی به شمار می رود. معماری اسلامی- ایرانی را دارای ویژگی های هفت گانه زیر دانست:

- درجه بندی فضاها با توجه به عملکرد و درونگرایی
- هماهنگی با بستر طبیعی و الهام از آن
- پرهیز از بیهودگی
- رعایت تناسبات
- محوریت انسان
- مرکزیت
- وحدت و کثرت

همچنین بررسی ویژگی های معماری ایرانی- اسلامی با اصول مینیمالیستی حاکی از آن بود که ویژگی های این معماری کاملاً همگام با اصول مینیمالیستی بوده و آن ها را نیز پوشش می دهند.

۲. خاکپور و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان بررسی تطبیقی سبک مینیمالیسم در معماری و نقاشی مطالعه موردی شهر قزوین به پی شناخت، فصول و زبان مشترک میان حوزه هنری در سبک مینیمالیسم و تاثیر آن ها بر روی یکدیگر، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته شده است. در نتیجه می توان گفت که با اجرای سبک مینیمالیسم در نمای شهری، از تنش بصری ایجاد شده در سطح شهر قزوین بکاهیم. در این پژوهش تنش بصری متغیر وابسته می باشد که در روند تحقیق وجوه مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته و همچنین به وسیله متغیر مستقل کاهش یافته است. نتیجه این پژوهش ایجاد و تقویت پیوند میان سه مقوله مطرح شده و تعامل بین اندیشه های طراحی شهری، معماری، معماری منظر، شهرسازی، روانشناسی محیط و ادراک مردم در رابطه با نگرش صحیح به نمای ساختمان و سیمای شهری شده است که نهایتاً ارتقا کیفیت محیط و بهبود سیما و منظر شهر در سطوح محلی تا شهری و ساختمان های خاص را موجب می شود. بنابراین با حداقل گرایی که در وجوه مختلف مینیمالیسم مورد بررسی قرار گرفته است می توان به ساده سازی در آثار معماری شهر رسید که این خود باعث کاهش هرج و مرج بصری در شهروندان قزوین می گردد.

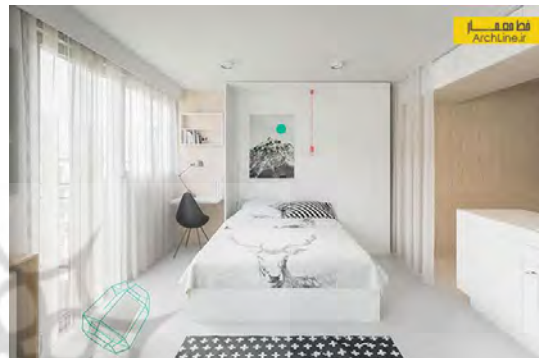
۳. عیب پوش و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان رویه های مینیمال در ساختارهای معماری به بررسی مفهوم رویه های مینیمال و کاربردهای آن در معماری می پردازیم و همچنین به معرفی رویه های مینیمال در پدیده های طبیعی و تاریخی استفاده آن در معماری پرداخته که این مقاله به روش تحلیلی توصیفی و مطالعات کتابخانه ای کار شده است. رویه های مینیمال از زمینه ریاضیات به تدریج در پژوهش های طراحی معماری با توجه به خواص خود راه یافته است.

۴. عبدالصمدی وهمکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر مینیمالیسم در تئوری طراحی فضای سیال با رویکرد انعطاف‌پذیری و پیوستگی در تلفیق طبیعت با فضای معماری به بررسی طرح معماری سیال با فضایی است که می‌خواهد حداکثر بازدیدکنندگان توریست‌ها و مهمانان را به درون خود دعوت نماید ولی در شهر حل نگردد که این ویژگی عملکردی کالبدی بر اساس تئوری مینیمال به‌عنوان ایده سادگی و بی‌پیرایگی که دست‌آخر منجر به خلوص کمال و زیبایی طرح بر اساس هویت بخشی به رویکرد اصلی طبیعت خواهد بود و در مقاله حاضر سعی بر آن شده تا تأثیر این مسائل در طراحی‌های فضای معماری که به‌عنوان سازنده‌ی چشم‌انداز نیز مطرح می‌شوند بررسی می‌گردد. سطوح معماری سیال، ویا به عبارتی سطوحی که به هر نحو، بتواند امتداد مسیر طبیعی را به داخل مجموعه‌ی طراحی شده بکشاند، باید مهم‌ترین دغدغه‌ی معماران در ایده‌ی طراحی باشد. تئوری مینیمال، از یک طرف و سیالیت و پویایی فضاهای خلق شده از طرفی دیگر، نه تنها از تخریب این طبیعت جلوگیری می‌کند، بلکه جلوه و ارزشی نو، بر اساس پیشرفت علم و تکنولوژی انسان را برماهیت این فضاها خواهد داد.

طراحی داخلی مینیمال آپارتمان با مترائ کوچک که توسط معماران Gosia Czarny و Pitor Matuszek به مساحت ۲۰ مترمربع انجام گرفته است که با بکارگیری استعداد خارق‌العاده خویش با بازسازی این فضا کوچک جلوه‌ای زیبا داده و به نظر بزرگ و روشن می‌رسد. این ساختمان با مترائ بسیار پایین خود نیازمند ساختار و طراحی هوشمندانه‌ای که بزرگتر از مترائ معمول خود به نظر برسد. استفاده از رنگ‌های روشن و خطوط ساده همیشه اتاق را بزرگتر از اندازه واقعی آن نشان می‌دهد. طراحان از بافت‌های کوچک تک رنگ بافت جالبی را بدون اختلال بصری، ایجاد کرده است در اتاق خواب برای اینکه فضای زیادی اشغال نشود از تخت تاشو استفاده کرده است.



تصویر ۲. فضا داخلی آپارتمان (منبع: dezeen)



تصویر ۱. فضا داخلی آپارتمان (dezeen)

مبانی نظری

در سبک مینیمالیسم، شعار میس، کم تر بیشتر است، ایده اصلی طرح است. در این سبک، تمام عناصر اضافی و نامرتب با عملکرد و موضوع طرح حذف می‌شود. کسرگرایی تا آن جایی پیش می‌رود که کسر بیش از آن، باعث بهبود کیفی طرح نشود. به عبارتی، از ساده‌ترین و کم‌ترین عناصر برای ایجاد بیشترین تأثیر استفاده می‌شود (وحید قبادیان، ۱۳۹۳: ۹۸).

سبک مینیمالیسم عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم تا اواخر سده گذشته میلادی مورد توجه بود. میس شعار کمتر بیشتر است را برای اغلب طرح‌های خود که عمدتاً بناهای عمومی بوده‌اند مورد استفاده قرار داده بود. ولی برای ساختمان مسکونی، او این ایده را برای اولین بار برای خانه فارنزورت به کار گرفت. این خانه بین سال‌های ۱۹۴۶ و ۱۹۵۱ برای یک استاد دانشگاه به نام خانم دکتر ادیت فارنزورت در جنوب شهر شیکاگو در آمریکا طراحی و اجرا شد. این بنا به صورت یک مکعب مستطیل سفید رنگ با بدنه شفاف و فضای داخلی باز و پیوسته است. فیلیپ جانسون، معمار معاصر آمریکایی، در معرفی ایده‌های میس به جامعه آمریکا سهم بسزایی داشت. تا زمانی که میس در قید حیات بود، جانسون توانا ترین و متعهدترین معمار در پیروی از عقاید و نظرات میس بود. در طرح خانه شیشه‌ای، ایده استاد برای طرح خانه فارنزورت و شعار کم‌تر بیش تر است، به بهترین شکل ممکن توسط جانسون به نمایش گذاشته شده است. این ساختمان که خانه شخصی جانسون می‌باشد، در سال ۱۹۴۹ در شهر نیوکنن، ایالت کنتیکت در آمریکا اجرا شده که این ساختمان به صورت یک مکعب مستطیل ساده است و چهار دیوار آن از صفحات شیشه‌ای وسیع و قاب فلزی سیاه رنگ دور آن تشکیل شده است. همانند خانه فارنزورت، داخل این بنا به صورت یک فضای باز و پیوسته است اصطلاحاتی که میس برای نخستین بار به کار برد. تنها دیوار داخل بنا یک استوانه آجری است که سرویس بهداشتی را پوشانده و از یک سمت بدنه بخاری دیواری است. فضاهای داخل بنا تنها با کابینت آشپزخانه، یک کمد کوتاه و استوانه آجری از یکدیگر جدا شده‌اند. در این خانه هم مانند خانه قبلی، میلمان پذیرایی شامل صندلی-ها، کاناپه و میز بارسلونا است. «وقتی که من این خانه را در سال ۱۹۸۴ طرح می‌کردم، خانه فارنزورت را در ذهن داشتم» (Johnson, 1975: 138).

ویژگی‌های این سبک در معماری را می‌توان در موارد زیر تبیین کرد:

- حداکثر سادگی در طرح بنا؛
- حذف تمام عناصری که ضروری نیست؛
- استفاده از اشکال هندسی ساده و زوایای ۹۰ درجه؛
- به کارگیری سطوح صاف و صیقل خورده؛
- ایجاد فضاهای باز و پیوسته در داخل بنا؛
- بعضاً استفاده از رنگ‌های سفید و روشن؛
- استفاده از مصالح و فناوری مدرن (وحید قبادیان، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

در ابتدای شروع این سبک، اصول بنیادین مینیمالیسم بر خطوط تیز، سطوح جامد، مبلمان کم و سایه‌های استیل بود، اما اخیراً شکل‌های نرم‌تر، رنگ‌ها و بافت‌های بیشتری را استفاده می‌کنند. ایده اصلی طراحی مینیمالیسم، استفاده از اشکال ساده و طبیعی است. این اصل اساس سبک شرقی در طراحی، به‌ویژه طراحی کلاسیک ژاپنی است که پایه اصلی برای مینیمالیسم شد. مینیمالیسم یک شیوه زندگی است که تمایل به نظم و سازمان کامل دارد، اگر بخواهیم اصول مینیمال‌ها را خلاصه در چند گزینه بگویم شاید این‌ها درست‌ترین و کامل‌ترین تعاریف باشند:

۱. مینیمالیسم در طراحی داخلی به معنای اتاق‌های بزرگ با حداقل مبلمان و جزئیات است.
۲. مبلمان باید دارای اشکال ساده بارنگ خنثی باشد، سطوح درخشان و خطوط مستقیم در این منطقه شگفت‌انگیز است.
۳. جزئیات باید از فولاد ضدزنگ یا کروم ساخته شود.
۴. مقدار لوازم جانبی باید حداقل باشد کف باید از موادی باشد که برای تمیز کردن و مراقبت از آن‌ها کمترین زحمت ممکن ایجاد شود.
۵. استفاده از کمدهای بزرگ که کمتر در دید باشند برای جا دادن بخش عمده‌ای از لباس‌ها و سایر وسایل.
۶. سفیدرنگ اصلی سبک مینیمال است. سفید باید برای دیوار، کف و مبلمان استفاده شود (فاطمه علیزاده، ۱۳۹۶: ۲).

نام سبک	ویژگی هندسی	ویژگی رنگ	ویژگی مصالح
مینیمالیسم	اجزا و وسایل مورد استفاده در یک مکان با طراحی داخلی مینیمالیست با اشکال هندسی مثل مربع، مستطیل و دایره می‌باشد اما سطوح و ظواهر همه چیز صاف و ساده است.	سفیدرنگ اصلی این سبک است همچنین می‌توان از رنگ‌های خنثی مثل خاکستری، گرم، سبز روشن هم استفاده کرد.	معمولاً در طراحی یک ساختمان مینیمال تنها از یک یا دو متریال استفاده می‌شود در صورت استفاده از دو متریال بهتر است ترکیب این دو به نحوی صورت گیرد که سادگی ظاهر بنا حفظ شود.

جدول ۱. شاخص‌ها و ویژگی‌های سبک مینیمالیسم (منبع: bookmark)

ویژگی روانشناسی اشکال هندسی

مربع: از لحاظ بصری، شکلی است متعادل، محکم و ایستا و نموداری از استواری، مردانگی، سکون، منطق و معرف زمین است. این شکل در معماری اسلامی از اهمیت بسزایی برخوردار است و در فرهنگ ایرانی جایگاه مخصوص و ویژه‌ای دارد. چهار ضلع مساوی آن می‌تواند نماد چهار عنصر باد، آب، خاک و آتش یا چهار جهت اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب یا چهار فصل یل چهار مرحله زندگی از کودکی تا جوانی و میانسالی و پیری و یا چهار طبع سردی، گرمی، خشکی و رطوبت باشد. افرادی که شکل مربع را انتخاب می‌کنند کسانی هستند که در یک محیط پایدار بیشتری احساس آرامش را دارند و مسیر کارهایشان کاملاً واضح است. چنین اشخاصی محافظه کارند و دوست دارند همه چیز مرتب و منظم باشد. وظیفه شناس هستند و اگر کاری را به آنها محول کنید آنقدر روی آن وقت می‌گذارند تا تمام شود، حتی اگر کاری تکراری و طاقت فرسا باشد و مجبور شدند به تنهایی آن را انجام دهند.

مستطیل: اصول‌گرایی مشخصه بارز این افراد است. آنها نیز نظم و ترتیب را دوست دارند ولی آن را بیشتر از طریق سازماندهی‌های دقیق اجرا می‌کنند. این امر سبب می‌شود که راه‌های مناسبی را انتخاب و همه قواعد و مقررات را بررسی کنند. اگر وظیفه‌ای را به این اشخاص محول کنید ابتدا آن را به خوبی سازماندهی می‌کنند تا اطمینان یابند که بطور اصولی اجرا خواهد شد.

دایره: نمادی از حرکت و زمان است همچنین نمادی از آرامش و تداوم است، زیرا کلیه نقاط پیرامون آن از یک ارزش برخوردارند و این امر تعادلی بین نیروی درونی و فضای بیرونی ایجاد می‌کند و باعث حرکت چرخشی و دورانی می‌شود و مفهوم بی‌پایانی را القا می‌کند. چنین افرادی اجتماعی و خوش صحبت هستند، هیچ لحن خشنی ندارند و امور را به وسیله صحبت کردن درباره آنها تحت کنترل خود در می‌آورند. ارتباطات اولین اولویت آنها در زندگی است. مطمئن باشید که اگر وظیفه‌ای به آنها محول شود آنقدر درباره آن صحبت می‌کنند تا هماهنگی لازم ایجاد شود.

ویژگی روانشناسی رنگ‌ها

رنگ سفید: رنگ سفید، مخالف سیاهی و تاریکی است. رنگ سفید رنگی مثبت، نورانی و مهیج محسوب می‌شود و القاء کننده آرامش، صفا و آسایش است. رنگ سفید تکانه‌های احساسی و ناامیدی را تسکین می‌دهد و کمک می‌کند تا احساسات، افکار و روح شما را پاک سازد. این رنگ با سردی و تمیزی همراه می‌شود، چرا که رنگ برف می‌باشد. خواص روانی مثبت رنگ سفید؛ بهداشتی بودن، شفافیت، خلوص، پاک‌ی و سادگی است. خواص روانی منفی این رنگ هم؛ سردی، نابرابری و غیر دوستانه بودن است. رنگ سفید، نماد معصومیت و پاک‌ی است. بیمارستان‌ها و کادر پزشکی از رنگ سفید برای ایجاد حس پاک‌ی‌زگی استفاده می‌کنند. سفید احساسات را برمی‌انگیزد و حس نوستالژی و دل‌تنگی را تلقین می‌کند. از لحاظ بصری، سفید درک بالایی از فضا می‌دهد و فضا را بازرتر نشان می‌دهد.

سفید به تنهایی حس خالی و تهی بودن را منتقل می‌کند و گه‌گاهی ترسناک می‌شود. ولی اگر با رنگ‌های شاد و مخصوصاً گرم ترکیب شود، حس فوق‌العاده‌ای می‌دهد. چنان که به زمان و فضایی نیازمندید که بر زندگی‌تان اثر نهد، رنگ سفید می‌تواند به شما آزادی بی‌حد و اندازه دهد. این رنگ به وضوح ذهن شما را یاری می‌کند و شما را به پاک کردن چیزهای درهم برهم و موانع تشویق می‌کند. البته استفاده افراطی از این رنگ ممکن است سرد و منزوی کننده باشد. سفید یک رنگ خنثی به شمار آمده و به عنوان پر طرفدارترین رنگ در طراحی دکوراسیون شناخته می‌شود. کاربرد این رنگ به عنوان پس زمینه به حدی زیاد است که می‌توان گفت با کمتر فضایی مواجه شده ایم که حداقل یک دیوار سفید نداشته باشد. بنابراین اگر به دنبال طراحی یک دکوراسیون ساده و در عین حال شیک هستید، سفید را به شما پیشنهاد می‌کنیم. این رنگ با عنوان دوست مینیمالیست‌ها نیز شناخته می‌شود و نمونه بارزی در وصف زیبایی در سادگی محسوب می‌شود. یک دکوراسیون ساده و زیبا، همیشه خاص بودن خود را حفظ خواهد کرد و به همین دلیل طرفداران زیادی دارد.

خاکستری: خاکستری (طوسی) حاصل ترکیب دو رنگ سیاه و سفید است و می‌توان آن را رنگ سایه نامید، زیرا مثل سیاه و سفید ظاهر نمی‌شود. رنگ خاکستری رنگی کاملاً خنثی و فاقد گرمی است. خاکستری، محافظی در برابر تأثیرات بیرونی است. خاکستری معمولاً احساسات منفی ایجاد می‌کند. مثلاً ابره‌های ضخیم، مه و دود خاکستری هستند. خاکستری، رنگ فرار است و عدم تولید؛ چون نه سفید است و نه سیاه. این رنگ، دیواری در اطراف شخص می‌کشد. رنگ

خاکستری ممکن است برای برخی افراد گزینه بهتری نسبت به مشکی باشد. در حالی که به خودی خود هیچ قدرت محرک هوشی ندارد، ولی با عقل و دانش و استحکام در ارتباط است. این رنگ نشانه ترس و فقدان احساس است و شفافیت و درخشندگی دیگر رنگ‌ها را کم می‌کند. رنگ خاکستری بی تفاوتی، عدم مشارکت و همکاری و سستی و تنبلی را در فرد به وجود می‌آورد. در زمان جنگ و افزایش فشارهای روانی تمایل به این رنگ بیشتر می‌شود. رنگ خاکستری پذیرای افکار جدید است و بین ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه ارتباط برقرار می‌کند. تحت تاثیر رنگ خاکستری، افراد با شخصیت، محترم، مسلط به خود و اهل عمل به نظر می‌رسند و شخصیت آن‌ها تا حدی اسرار آمیز، زیرک و جذاب جلوه می‌کند. رنگ خاکستری حالتی از وقار، اقتدار، استقلال، اعتماد به نفس، خودانگیزی و رسمی بودن را نشان می‌دهد و تا حدی با ابهت به نظر می‌رسد. از تاثیرات روانی رنگ خاکستری در دکوراسیون داخلی منزل در خلق فضایی ظریف و ماهرانه استفاده کنید. رنگ خاکستری به دلیل ماهیت خنثی خود، توانایی ترکیب شدن با بیشتر رنگ‌ها را دارد و می‌تواند در فضای دکوراسیون داخلی بسیار خوش بدرخشد، اما رنگی نیست که بتوان راحت از آن در دکوراسیون منزل استفاده کرد.

کرم: یکی از بهترین رنگ‌های جایگزین سفید، رنگ کرم است که از نظر روحی می‌تواند افراد علاقه‌مند به رنگ سفید را قانع کند. ترکیب رنگ‌ها با رنگ کرم رنگ کرم به دلیل اینکه، درخشندگی رنگ سفید را ندارد و مقداری چرک‌تاب است، می‌تواند با تمام رنگ‌ها هارمونی زیبا و موزونی ایجاد کند. این رنگ با تمام رنگ‌ها هارمونی و ریتم بسیار جذابی می‌سازد، ترکیب رنگ‌ها با رنگ کرم تنها رنگ زرد است که با رنگ کرم سازگاری ندارد و ترکیب ناهمگونی بوجود می‌آورد. یکی از مهم‌ترین فضاهایی که باید به نحوه رنگ‌بندی آن دقت کرد اتاق خواب است. اگر می‌خواهید از رنگ کرم در فضای اتاق خواب استفاده کنید، می‌توانید آن را در کنار رنگ‌های آبی، ترکیب رنگ‌ها با رنگ کرم شکلاتی و نسکافه‌ای قرار دهید تا از زیبایی این ترکیب رنگی لذت ببرید.

نتیجه‌گیری

مینیمالیسم یک مکتب هنری است که بر پایه سادگی و روش‌های ساده و خالی از پیچیدگی بنیان شده است. در سبک مینیمالیسم، شعار میس، کم‌تر بیشتر است، ایده اصلی طرح است. در این سبک، تمام عناصر اضافی و نامرتب با عملکرد و موضوع طرح حذف می‌شود. و با استفاده از این سبک قصد داریم مشکلات جامعه امروزی که کوچک بودن فضای داخلی منازل است را برطرف سازیم. برای این منظور یک راه حل وجود دارد و آن هر چه خلاصه‌تر کردن محیط پیرامون است. و با استفاده از سادگی و بی‌پیرایگی، کم شدن جزئیات، کاهش تزئینات در کار و... این مشکل را تا حد توان حل نموده‌ایم و هم‌چنین در سبک مینیمالیسم می‌توان از اشکال هندسی مربع، مستطیل و دایره و رنگ‌های خنثی از جمله رنگ سفید و متریال طبیعی که از مشخصه‌های این سبک است با توجه به روانشناسی محیط و انسان استفاده نمود تا محیطی با آرامش و آسایش را برای مخاطب بوجود آورد.

منابع

۱. احمدی نسب، حامد، المیرا معرفت، بررسی تاثیر مینیمالیسم در تحول معماری قرن بیستم، اولین همایش ملی اندیشه‌ها و فناوری‌های نو در معماری، ۱۳۹۱.
۲. بانی مسعود، امیر، ۱۳۸۹، معماری غرب (ریشه‌ها و مفاهیم)، نشر هنر معماری.
۳. پاکباز، رویین، ۱۳۸۵، دایره المعارف هنر، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران.
۴. چوبک، پریا، ۱۳۹۲، بررسی زیبا شناسی طراحی‌های چند کاربردهی سنتی ایرانی و یکارگیری آن در چیدمان خانه‌های امروزی با نگاهی بر سبک مینیمال، تهران.
۵. خاکپور، مژگان، محمد بهزادپور، ۱۳۹۴، بررسی تطبیقی سبک مینیمالیسم در معماری و نقاشی مطالعه موردی شهر قزوین، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
۶. عبدالصمدی، محمدعلی، شبنم اکبری نامدار، ۱۳۹۳، تاثیر مینیمالیسم در تئوری طراحی فضای سیال بارویکرد انعطاف‌پذیری و پیوستگی در تلفیق طبیعت با فضای معماری، اولین کنفرانس سراسری توسعه محوری مهندسی عمران، معماری، برق و مکانیک ایران.
۷. علیزاده، فاطمه، ۱۳۹۶، نزدیک شدن به دنیای دکوراتورهای مینیمال، تهران.
۸. عیب پوشان، کژال، مرتضی میرمحمد رضایی، ۱۳۹۴، رویه‌های مینیمال در ساختارهای معماری، کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی.
۹. قبادیان، وحید، ۱۳۹۳، مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۰. کهون، لارنس، ۱۳۸۱، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه ی عبدالکریم رشیدیان، نشرنی، تهران.
۱۱. لینتن، نوربرت، ۱۳۸۳، هنر مدرن، ترجمه علی رامین، نشرنی، تهران.
۱۲. مکوندی، مهدی، زینب خدابخش، مهرنوش رستمی، زینب حزبادی، ۱۳۹۳، مینیمالیسم در معماری اسلامی-ایرانی با تاکید بر اصول و شاخصه‌ها، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.
۱۳. وود، پل، ۱۳۸۴، هنر مفهومی، ترجمه فرزین مدیا، چاپ اول، نشر هنر ایران، تهران.

14. Johnson, Philip, 1975, "Postscript" Eisenman, Graves, Gwathmey, Hejduk, Meier-Five Architects, Oxford University Press, New York, p.138.